

هو السميع المجيب

متن کامل دعای ابو حمزه ثمالی

به همراه ترجمه فارسی و فایل صوتی

توضیح: دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام نقل شده و در سحرهای رمضان خوانده می شود، اما می توان آن را در هر زمان دیگری نیز قرائت کرد. در این صفحه، متن دعا همراه با ترجمه روان فارسی ارائه شده است.

شایان ذکر است که هم علامه طهرانی و هم فرزند ایشان، آیت الله سید محمد محسن طهرانی، این دعا را شرح داده اند. برای دسترسی به شرح، به لینک های زیر مراجعه فرمایید:

[کتاب شرح فقراتی از دعای ابو حمزه ثمالی - اثر علامه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی](#)

[رضوان الله علیه](#)

[سخنرانی های شرح دعای ابو حمزه ثمالی - بیانات آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی](#)

[رضوان الله علیه](#)

[کتاب آموزه های معرفت - شرح دعای ابو حمزه ثمالی - آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی](#)

[طهرانی رضوان الله علیه](#)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ

ای معبود من! مرا با عقوبتت ادب مکن

وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ

و مرا گرفتار حيله و مکر منما

مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ

مرا از کجا خیر و صلاح باشد؟! در حالی که جز نزد تو یافت نمی شود!

وَمِنْ أَيْنَ لِي النِّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ

و مرا از کجا نجات و رستگاری باشد؟! و حال آنکه جز به تو حاصل نمی شود!

لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ

نه آن کس که نیکی می کند، از کمک و رحمت تو بی نیاز است

وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ

و نه آن کس که بدی کرده و با تو گستاخی می نماید

و تو را از خود راضی نمی سازد، از دایره قدرتت بیرون آمده است!

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ... «حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ»

ای پروردگار من! ای پروردگار من! ای پروردگار من!

(تا آنکه نفس قطع شود)

بِكَ عَرَفْتُكَ

من تو را به وسیله خودت شناختم

وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ

و تو هستی که مرا به خودت رهنما شدی

وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ

و به سوی خودت خواندی!

وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

و اگر تو نبودی من نمی دانستم که تو چه هستی.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي

حمد و ستایش اختصاص به آن خدایی دارد

که او را می خوانم و او فوراً اجابت می کند

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي

هر چند هنگامی که مرا می خواند، کندی و سستی می کنم!

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي

و حمد و ستایش خدایی را

که از او درخواست می‌کنم و او به من عطا می‌نماید

وَإِنْ كُنْتُ بِخِيَالٍ حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

هرچند بخل می‌ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي

و حمد و ستایش خدایی را

که هر وقت بخواهم برای رفع حاجتم صدایش می‌زنم

وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ

و برای رازونیز هر جا بخواهم با او خلوت می‌کنم

بی‌آنکه شفיעی در میان باشد

فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي

[پس به راحتی با او خلوت می‌کنم]

و او حاجتم را برآورده می‌سازد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ

حمد و ستایش خدایی را که غیر او را نمی‌خوانم

وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

که اگر غیر او را می‌خواندم دعایم را اجابت نمی‌کرد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ

و حمد و ستایش اختصاص به خدایی دارد

که به غیر او امید ندارم

وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي

که اگر به غیرش امید می‌بستم

نامیدم می‌نمود

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي

و حمد و ستایش خدایی را

که حامی و تکیه‌گاه من بود و چنین مرا گرامی داشت

وَلَمْ يَكُنْ لِي إِلَى النَّاسِ فَيُهَيِّنُونِي

و مرا به مردم وانگذاشت تا که خوادم سازند

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي

و ستایش اختصاص به خدایی دارد

که با من محبت و دوستی ورزید در حالی که از من بی نیاز بود!

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي

و ستایش خدایی راست

که در برابر خطا و لغزشم بُردباری می کند

حَتَّى كَانَتِي لَا ذَنْبَ لِي

تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست!

فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي

پس پروردگار من ستوده ترین موجود، نزد من است

وَأَحَقُّ بِحَمْدِي

و به ستایش و حمد من سزاوارتر می باشد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً

بارالها! من راه هر خواسته و تقاضایی را به سوی تو باز می بینم

وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً

و چشمه های امید به سوی تو را سرشار احساس می کنم

وَالِاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّاكَ مُبَاحَةً

و یاری جستن از فضل تو را، برای آرزومندانست مباح و آزاد می یابم

وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً

و درهای دعا و نیایش به سوی تو را

برای خروشدگان به درگاہت باز می بینم

وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ

و می دانم که تو برای امیدواران در محلّ اجابتی

وَاللَّمْهُوفِينَ بِمَرْصِدِ إِغَاثَةٍ

و برای دل سوختگان، در کمین نشستہ ای تا یاری شان کنی!

وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ

و [می دانم که] پناہندگی و استغاثہ به جود و کرمّت

و رضایت مندی از قضایّت،

عَوَضاً مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ

بهترین جایگزین است برای مضایقه بخیلان

وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْتِرِينَ

و هم گشایش و بی نیازی است

از آنچه در دست دنیاطلبان است

وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ

و [آگاهم که] مسافر به سوی تو

راهش کوتاه و مسافتش نزدیک است

وَأَنْتَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ

و [می دانم که] تو از بندگان خویش در پرده نیستی

إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ

جز آنکه کردار ناشایست،

آنان را از تو [محروم ساخته و] مانع گشته است

وَقَدْ فَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبَتِي

و همانا من با خواسته ام آهنگ تو نمودم

وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي

و با حاجتم، به تو روی آوردم

وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي

و استغاثه و تضرع را فقط به درگاه تو قرار دادم

وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي

و فقط به دعای تو متوسل شدم

مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي

بی آنکه شایستگی داشته باشم که به من گوش فرا دهی

وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي

یا بی آنکه تو را الزام کنم که از من درگذری!

بَلْ لَثَقْتِي بِكَرَمِكَ

بلکه [تو را می خوانم] به خاطر اعتمادم به کرمّت

وَسُكُونِي إِلَى صِدْقٍ وَعَدِكَ

و آرامش و اطمینانی که به درستی و عدهات دارم

وَلَجَّأِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ

و پناهی که به ایمان به توحیدت جستم

وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ

و یقینی که داشتم که تو مرا می شناسی که غیر از تو پروردگاری ندارم

وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و هیچ معبودی جز تو نیست

وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

که تو یگانه ای، و شریک و انبازی نداری

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ

بارالها! تو چنین فرمودی و گفتارت حق است و وعدهات درست

﴿وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾ ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾^۱

[که فرمودی:]

﴿از خداوند فضل و بخششش را بخواهید﴾

﴿به درستی که خداوند به شما مهربان و رحیم است﴾

وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ

و ای آقای من، از صفات و منش تو نیست

که بندگان را به درخواست امر کنی، و آن گاه که از تو بخواهند دریغ ورزی

وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ

در حالی که تو با عطای فراوان بر اهل مملکت خویش تفضل می نمایی

وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحْنِنٍ رَأْفَتِكَ

و با مهر و رأفتت به آنها توجه می کنی.

إِلَهِي رَبِّبْتَنِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا

خدایا! در کودکی مرا در میان نعمت‌ها و احسان خویش پروریدی

وَنَوَّهْتَ بِإِسْمِي كَبِيرًا

و در بزرگی، نامم را گرامی داشتی

فَمَا مِنْ رَبَّائِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ

پس ای کسی که مرا در دنیا با احسان و تفضل و نعم خود پرورید

وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ

و در آخرت به عفو و بخشش خود نوید داد

مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ

ای مولای من! شناخت من، راهنمای من به سوی توست

وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ

و عشق و محبتم به تو، شفیع من به پیشگاه توست

وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ

و من به این دلیل و راهنمایم [که معرفت من به توست] اطمینان دارم زیرا به پشتوانه راهنمایی تو بوده

وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ

و قلب من از برای این شفیع آرام است که شفاعتش نزد تو پذیرفته است.

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذُنْبُهُ

^۱. آیه ۳۲ سوره مبارکه نساء

ای آقای من! تو را با زبانی می خوانم که گناه، آن را لال و الکن نموده است!

رَبِّ أَنْاجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أُوبِقَهُ جُرْمُهُ

پروردگار من! با قلبی با تو نجوا می کنم که جرم و جنایتش آن را میرانده و هلاک نموده است!

أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِباً رَاغِباً رَاجِئاً خَائِفاً

پروردگارا! تو را می خوانم در حالی که هم هراسان و هم مشتاقم، و هم امیدوار و هم ترسانم.

إِذَا رَأَيْتَ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ

مولای من! چون گناهانم را می نگرم، می ترسم

وَإِذَا رَأَيْتَ كَرَمَكَ طَمِعْتُ

و چون کرمت را می بینم به طمع می افتم!

فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاجِمٍ

پس چنانچه [مرا] ببخشی بهترین رحم کنندگانی

وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ

و اگر عذابم نمایی [هرگز] ستم نموده ای!

حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِثْيَانِي مَا تَكَرَّرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ

خداوندا! حجّت من جود و کرم توست که با وجود کارهای زشتم باز جرئت می ورزم و از تو درخواست

می نمایم

وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ فَلَءِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

و با اینکه حیای من کم است، توشه راهم در سختی ها، عطف و مهربانی توست

وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ دَيْنٍ وَدَيْنٍ مُنِيَّتِي

و امید دارم که در میان این دو و این دو، آرزویم را نومید نسازی

فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي

پس امیدم را محقق ساز و دعایم را بشنو

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

ای بهترین کسی که دعاکنندگان او را می خوانند!

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

و ای برترین کسی که امیدواران به او امید دارند!

عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي

ای سید و آقای من! آرزویم بسیار است ولی کردارم ناپسند

فَأَعْظِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمُقْدَارِ أَمَلِي

پس، از عفو خویش، به اندازه آرزویم عطا کن!

وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي

و مرا به بدترین کردارم مؤاخذه نفرما!

فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ

زیرا کرمت بیشتر از آن است که بخواهی گنهکاران را مجازات نمایی

وَحِلْمَكَ يَكْتَبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

و حلم و بردباری ات بزرگتر از آن است که مقصرین را مکافات فرمایی

وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَانِدٌ بِفَضْلِكَ

و ای آقای من، من به فضل تو پناه آورده‌ام

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و از تو، به سوی تو گریزانم

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

و آن وعده‌ای که دادی که بگذری از گناه آن کسانی که گمان نیکو به تو دارند، من نسبت به آن وعده،

باورمند و پیگیر هستم

وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطْرِي

پروردگارا، من چه هستم و چه جایگاه و ارزشی دارم؟! [که هیچم و به حساب نمی‌آیم!]

هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

مرا به فضل خویش ببخش، و با عفو تو بر من تصدق نما و منت گذار!

أَيُّ رَبِّ جَلَلَنِي بِسِتْرِكَ

ای پروردگار من، پرده عفو تو را بر من بپوشان!

وَاعْفُ عَن تَوْبِيحِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

و به کرامت و بزرگواری رویت، از توبیح من درگذر!

فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرَكَ مَا فَعَلْتَهُ

که اگر امروز غیر تو بر گناهم آگاه می‌شد، آن را مرتکب نمی‌شدم

وَلَوْ خَفَّتْ تَعْجِيلُ الْعُقُوبَةِ لَأَجْتَنَبْتُهُ

و اگر می‌دانستم و می‌ترسیدم که مرا به خاطر گناهم فوراً عقوبت می‌نمایی، هرگز گناه نمی‌کردم!

لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ وَأَخْفُ الْمُطَّلَعِينَ

نه از این رو که تو کمترین نظاره‌کنندگان به من و بی‌مقدارترین مطلعان هستی

بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ

بلکه بدین جهت که تو ای پروردگار من، بهترین پرده‌پوشانی

وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

و نیکوترین حاکمانی

وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

و بزرگواریترین بزرگواریانی

سَتَّارُ الْغُيُوبِ

پوشانندهٔ عیب‌هایی

عَفَّارُ الذُّنُوبِ

آمرزندهٔ گناهانی

عَلَّامُ الْغُيُوبِ

دانای نهان‌هایی

تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ

گناه را به کرم خویش می‌پوشانی

وَتُوخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ

و عقوبت را به حلم و بردباری خویش تأخیر می‌اندازی

فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

[پروردگارا] پس ستایش مخصوص توست که با آنکه [گناهم را] می‌دانی، بردباری می‌کنی!

وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ

و با وجود آنکه قدرت [بر مجازات] داری، می‌بخشی!

وَيَحْمِلُنِي وَيَجِرُّنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي

و آنچه مرا به سوی گناه سوق می‌دهد و جرئت می‌بخشد، همانا حلم و بردباری تو نسبت به من است

وَيَذْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سَتْرُكَ عَلَيَّ

و آنچه مرا به بی‌شرمی می‌خواند، پرده‌پوشی و ستاریت توست

وَيُسِّرْ عَنِّي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ

و آنچه مرا برای ارتکاب گناهان شتابان می‌کند، همانا آگاهی‌ام به وسعت رحمت تو و بزرگی بخشش

توست

يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ

ای خدای بردبار! و ای آقای کریم!

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

ای همیشه زنده! ای قوام تمام هستی!

يَا غَافِرَ الذَّنْبِ

ای آمرزندهٔ گناه!

يَا قَابِلَ التَّوْبِ

ای توبه‌پذیر!

يَا عَظِيمَ الْمَنِّ

ای آنکه منت و نعمتش عظیم است!

يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ

ای آنکه فضل و احسانت دیرینه است!

أَيْنَ سَتُرْكُ الْجَمِيلُ

[بارالها!] کجاست پرده‌پوشی زیبای تو؟!

أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ

کجاست عفو و آمرزش با جلالت تو؟!

أَيْنَ فَرْجُكَ الْقَرِيبُ

کجاست فَرَج و گشایش نزدیک تو؟!

أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ

کجاست فریادرسی سریع تو؟!

أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ

کجاست رحمت واسعه تو؟!

أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ

کجاست عطا‌های برتر تو؟!

أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِينَةُ

کجاست موهبت‌های گوارای تو؟!

أَيْنَ صَنَائِعُكَ السَّيِّئَةُ

کجاست لطف‌های والای تو؟!

أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ

کجاست فضل و کرم عظیم تو؟!

أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ

کجاست عطا‌ی بسیار و چشم‌گیر تو؟!

أَيْنَ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ

کجاست احسان دیرینه تو؟!

أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ

کجاست کرم تو، ای کریم!

بِهِ *وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ*** فَاسْتَنْقِذْنِي**

به حقّ کرمت و به حقّ محمد و آل محمد، پس نجاتم ده!

وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي

و به حقّ رحمتت پس رهایی‌ام بخش!

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ

ای احسان‌کننده و ای زیباکردار!

يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ

ای نعمت‌دهنده و ای خدای با فضل و کرم!

لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النِّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا

من برای نجات از کیفیت به اعمالمان تکیه و اعتمادی ندارم، بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم!

لَأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

چرا که تو سزاواری که خلق از تو [و کیفیت] بترسند و همچنین تو سزاوار بخششی!

تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا

نعمت‌ها را با احسان خود بر ما شروع می‌کنی

وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا

و با بزرگواری از گناهان درمی‌گذری

فَمَا نُدْرِي مَا نَشْكُرُ

بنابراین نمی‌دانیم که شکر کدامین نعمت را به‌جا آوریم؟

أَجْمِيلٌ مَا تَنْشُرُ

آیا بر زیبایی‌هایی که منتشر می‌نمایی شکر گوئیم؟

أَمْ قَبِيحٌ مَا تَسْتُرُ

یا بر زشتی‌هایی که می‌پوشانی؟

أَمْ عَظِيمٌ مَا أَوْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ

یا بر نعمت‌های عظیمی که برای آزمایش ما بخشیدی و عطا نمودی؟

أَمْ كَثِيرٌ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ

یا به‌خاطر بلاهای بسیاری که ما را از آنها نجات دادی و عافیت بخشیدی؟

يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ

ای محبوب دل آن کسی که به تو محبت ورزید!

وَيَا فَرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَادَ بِكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ

و ای روشنی چشم کسی که به تو پناه آورد، و از همگان بُرید و به‌سوی تو آمد!

أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ

تو نیکوکار و احسان‌کننده‌ای و ما بدکار و گنهکار!

فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَن قَبِيحٍ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ

پس ای پروردگار من، به خوبی و زیبایی آنچه نزد توست، از زشتی‌های ما درگذر!

وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ

[بارالها!] و کدامین جهالت و بدکاری است که وسعت کرم و جود تو نمی‌تواند آن را شامل شود؟!

أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ مِنْ أَنْاتِكَ

و کدامین زمان بیشتر از صبر و مهلت توست؟!

وَمَا قَدَرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ

و اعمال ما در برابر نعمت‌های تو چه ارزشی دارد؟!

وَ كَيْفَ نَسْتَكْتُرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ

و چگونه اعمال خود را در برابر کرم (بی‌منتهای) تو بسیار بدانیم؟!

بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ

بلکه چگونه عرصه بر گناهکاران تنگ شود، با وجود رحمتت که آنها را احاطه نموده است؟!

يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ

ای کسی که رحمتش بسیار وسیع است!

يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ

ای کسی که دو دست [جمال و جلال] خویش را به رحمت گشوده است!

فَوَعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي

پس قسم به عزتت ای آقای من

لَوْ نَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ

حتی اگر مرا از خود برانی، از درگهت به جایی نمی‌روم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

و از تملق و لابه‌گری به پیشگاهت دست برنمی‌دارم

لِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

زیرا می‌دانم که تو اهل جود و کرم هستی

وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ

و تو هر آنچه اراده کنی انجام می‌دهی

تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ

عذاب می‌کنی هر کس را که بخواهی،

به هر مقدار که بخواهی، به هر کیفیت که اراده کنی

وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ

و رحم می‌کنی بر هر کس که بخواهی،

به هر مقدار که بخواهی، به هر کیفیت که اراده کنی

لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ

از آنچه می‌کنی بازخواست نمی‌شوی

وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ

و در ملک و پادشاهی منازع و رقیبی نداری

وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ

و در امرت شریکی نداری

وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

و در حکم و فرمانت مخالفی نداری

وَلَا يَعْترِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ

و در تدبیر امور احدی نتواند با تو معارضه کند

لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ

عالم خلق و عالم امر (ملکوت) هر دو در دست توست

تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

پاک و مقدس است خدایی که پروردگار عالمیان است.

يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَادَ بِكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ

پروردگارا، این جایگاه کسی است که به تو پناه آورده است،

و به لطف و کرامت پناهنده گشته

وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ وَنِعَمِكَ

و با احسان و نعمت‌های تو خو گرفته است

وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ

و تو آن سخاوتمندی هستی که عفو و بخشش کم نیاید

وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ

و فضل تو کاهش نیابد

وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ

و رحمت کم نگردد

وَقَدْ تَوَقَّفْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ

و همانا ما به عفو و بخشش قدیم تو وثوق پیدا کرده و چنگ زده‌ایم

وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ

و به فضل عظیم و رحمت واسعات.

أَفْتَرَاكَ يَا رَبِّ تَخْلِفُ ظُنُونَنَا

پس ای پروردگار من،

آیا ممکن است که برخلاف حسن ظنی که به تو داریم رفتار کنی؟!

أَوْ تَخَيَّبَ آمَانَنَا

یا آرزوهای ما را ناامید سازی؟!

كَلَّا يَا كَرِيمٌ

هرگز! ای [خدای] کریم!

فَلَيْسَ هَذَا ظُنُّنَا بِكَ

که چنین گمانی به تو نمی‌بریم

وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا

و چنین توقع و انتظاری از تو نداریم

يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا

پروردگارا، ما به حضرتت آمال و آرزوی دراز داریم

إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا

و ما به پیشگاه تو امید بسیار داریم

عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا

از تو نافرمانی کردیم، ولی امید داریم که بر ما پرده پوشی کنی و ببخشایی

وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا

و تو را خواندیم و امید داریم که ما را اجابت نمایی

فَحَقِّقِ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا

پس ای مولای ما، امیدمان را محقق ساز!

فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا

زیرا با این اعمال تحقیقاً خود می دانیم که سزاوار چه هستیم

وَلَكِنْ عِلْمُكَ فِينَا وَعِلْمُنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ

ولیکن علم تو به احوال ما

و علم ما به اینکه ما را از درگاهت ناامید بر نمی گردانی،

وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ

هرچند مستوجب و سزاوار رحمت تو نبودیم

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

چرا که تو سزاوار آنی که با فضل بی انتهایت بر ما و بر گناهکاران جود نمایی

فَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا

پس به آنچه تو سزاوار آنی بر ما منت بگذار و بر ما جود نما

فَأِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَيْ نَيْلِكَ

زیرا ما به عطای تو محتاجیم

يَا عَفَا رَبُّنُورِكَ اهْتَدَيْنَا

ای آمرزنده، ما به وسیله نور تو هدایت شدیم

وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا

و به وسیله فضل تو بی نیاز گشتیم

وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا

و با نعمت تو روز و شب را گذراندیم

دُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

گناهان ما پیش روی توست

نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ

خداوندا، از گناهانمان از تو پوزش می طلبیم و به درگاہت توبه می کنیم

تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ

با نعمت های خود با ما محبت می ورزی ولی در عوض،

ما با گناه پاسخ می دهیم

خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ

از تو به سوی ما خیر و برکت نازل می شود

و از ما به سوی تو شر و بدکرداری بالا می رود

وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ

همواره فرشته ای ارجمند کارهای زشت ما را برای تو می آورد

فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ

ولی تمام اینها مانع نمی شود که ما را غرق نعمت های خویش نمایی

وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِنِّكَ

و با عطای خویش بر ما تفضل نمایی

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ

پس چقدر منزّه و پاکی، و چقدر بردبار و چقدر بزرگی!

وَأَكْرَمَكَ مُبْدِنًا وَمُعِيدًا

و چقدر کریمی! هم در آغاز ابتدا به نیکی نمودی و هم به لطف و کرامت باز می گردی و مدد می نمایی

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

پاک و مقدس است نام های تو

وَجَلَّ شَأْنُوكَ

و جلیل و بزرگ است ستایش تو

وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ

و نیکو و ارجمند است آثار و افعال تو

أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا

ای خدای من! فضل و وسیع تر و بردباری ات عظیم تر از آن است

مِنْ أَنْ تُقَاسِنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي

که مرا به کردار و خطاهایم بسنجی!

فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ

مرا ببخش، مرا ببخش، مرا ببخش!

سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي

آقای من، آقای من، آقای من!

اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ

خداوندا، ما را به یاد خودت مشغول کن

وَأَعِزَّنَا مِنْ سَخَطِكَ

و از خشمت پناهمان ده

وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ

و از عذابت در امانمان بدار

وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ

و از موهبت‌های خود ما را روزی بده

وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ

و از فضل خویش بر ما انعام نما

وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

و زیارت و حجّ خانهات و زیارت قبر پیغمبرت را روزی ما کن

صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

صلوات و رحمت و مغفرت و رضوان تو بر او و بر اهل بیت او باد

إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

که تو نزدیکی و اجابت می‌نمایی

وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ

و عمل به طاعت خود را روزی ما فرما

وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِكَ

و ما را بر آیین خود بمیران

وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و بر سنت پیغمبرت صلی الله علیه و آله از این دنیا ببر.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

خداوندا، مرا ببخش و پدر و مادرم را بیامرز

وَارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

و بر آنان رحم نما، همان گونه که در کودکی مرا پرورش دادند

إِحْسَانًا بِإِحْسَانِ إِحْسَانًا

احسانشان را با احسان و نیکی پاداش بده

وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا

و بدی‌هایشان را با مغفرت خویش پاسخ ده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

خداوندا، مؤمنین و مؤمنات را بیامرز

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ

زندگان آنان و مردگانشان را

وَتَابِعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ

با خیراتمان بین ما و ایشان پیوند قرار بده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيَاتِنَا وَمَيِّتِنَا

خداوندا بیامرز زنده‌ها و مُرده‌های ما را

وَسَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا

و حاضران و غایبان ما را

ذَكَرْنَا وَأَنْثَانَا

مردان و زنان ما را

صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا

کوچک و بزرگمان را

حُرِّبْنَا وَمَمْلُوكِنَا

آزاد و بنده ما را

كَذَّبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ

دروغ گفته‌اند آنان که برای خدا عدل و نظیری قائل‌اند

وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

و در گمراهی دُور و درازی گرفتار شده‌اند

وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا

و دچار خسارتی آشکار گشته‌اند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا! درود بی پایان خود را بر محمد و آل محمد بفرست

وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ

و عاقبت امر مرا ختم به خیر کن

وَإِكْفِنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

و تمام امر مهم دنیا و آخرت مرا خودت متکفل شو

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي

و کسی را که بر من رحم نمی‌کند بر من مسلط مساز

وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَقِيَّةً بَاقِيَةً

و بر من از سوی خود نگهدارنده‌ای همیشگی قرار ده

وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

و نعمت‌های صالحی را که به من دادی از من بگیر

وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا

و از فضل خود به من رزق واسع و حلال و پاکیزه، روزی فرما

اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ

خداوندا! با پاسداری خود از من مراقبت کن

وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ

و در سایه حفظ خویش، مرا محافظت فرما

وَاجْلَانِي بِجَلَاءَتِكَ

و مرا در پناه حمایت خود درآور

وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

و زیارت و حج خانهات را روزی ام کن

فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ

در این سال و در هر سالی که در پیش دارم

وَزِيَارَةَ قَبْرِ بَيْتِكَ وَالْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و بر زیارت قبر پیغمبرت و ائمه علیهم السلام موقف فرما

و لا تُخَلِّنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ

بار پروردگارا، و مرا از آن مشاهد مشرفه و اماکن ارجمند محروم و بی نصیب نگردان

اللَّهُمَّ تُبِّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ

خداوندا به من توبه ای عطا کن که دیگر هرگز مرتکب معصیت تو نشوم

وَأَلْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ

و در شب و روز، خیر و عمل به خیر را به من الهام کن

وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي

و ترس از تو را به من الهام فرما، تا آن زمان که مرا زنده می داری

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای که تمام عالمیان تحت تربیت تو هستند

اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ

خداوندا، مرا چه شده که هرگاه با خود می گویم: «اکنون آماده و مهیا گشته ام

وَقَمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ

و بر آنم که در پیشگاه تو به نماز ایستم و با تو به رازونیاز پردازم»،

أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ

چون به نماز ایستادم، خواب را بر من چیره کردی؟

وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ

و چون به رازونیاز با تو پرداختم، حال مناجات را از من گرفتی؟

مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي

مرا چه شده که هر وقت با خود گفتم: «[الحمد لله] باطنم صالح و شایسته شده

وَقَرَّبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي

و به جایگاه توبه کنندگان نزدیک شده‌ام،»

عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي

برای من ابتلائی پیش می‌آید که پایم را می‌لغزاند

وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ

و مرا از خدمت به تو مانع می‌شود؟

سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي

سرورم! نمی‌دانم، شاید مرا از درگاه لطف خود رانده‌ای!

وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي

و از خدمت و بندگی ات برکنارم کرده‌ای!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي

یا شاید دیده‌ای که من حق تو را سبک شمرده‌ام، پس مرا از خویش دور ساخته‌ای!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي

یا که شاید مرا از خودت روی گردان دیدی، پس مرا مبعوض و دشمن داشتی

أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي

یا شاید مرا در جایگاه دروغ‌گویان یافتی، پس مرا طرد نمودی!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَانِكَ فَحَرَمْتَنِي

یا شاید مرا نسبت به نعمت‌هایت ناسپاس دیدی، پس محروم ساختی!

أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي

یا که شاید مرا در مجالس علما نیافتی، پس مرا ذلیل و خوار نمودی!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي

یا شاید مرا در زمره غافلان دیدی پس از رحمت خویش ناامیدم کردی!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَالِينِ فَبَيْتَنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي

یا شاید مرا دمخور مجالس هرزگان دیدی، پس مرا با آنان وا گذاشتی!

أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي

و یا شاید دوست نداری دعای مرا بشنوی، پس مرا از خود دور نمودی!

أَوْ لَعَلَّكَ بَجُرْمِي وَجَرِيْرَتِي كَافَيْتَنِي

یا شاید به خاطر جرم و گناهم مکافاتم کرده‌ای!

أَوْ لَعَلَّكَ بِقَلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَارَيْتَنِي

یا به سبب بی‌حیایی ام نسبت به تو مجازاتم نموده‌ای!

فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُدْبِئِينَ قَبْلِي

حال اگر بر من گناهانم را ببخشایی، [این عفو تو همیشه بوده] و چه بسیار که گنهکاران پیش از من را

نیز بخشیده‌ای

لَإِنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

زیرا کرمت — ای پروردگار من — از عقوبت اهل تقصیر بسیار بزرگ‌تر است

وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و من به فضل و کرمت پناه می‌برم و از تو به‌سوی تو گریزانم

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

و تو وعده داده‌ای که از آنان که به تو گمان نیکو دارند درگذری، و من به این وعده‌ات باورمندم و چشم

انتظار تحقق آن هستم.

إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَاسِنِي بِعَمَلِي

بارالها! فضل و کرمت وسیع‌تر است و بردباری تو والاتر و بزرگ‌تر از آن است که مرا به عملم بگیری و

به کردارم بسنجی!

أَوْ أَنْ تَسْتَرْلِنِي بِخَطِيئَتِي

یا به‌خاطر خطایم بلغزانی!

وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطْرِي

آقای من! من چه هستم؟! و چه اهمیتی و ارزشی دارم؟! [که من هیچم به حساب نمی‌آیم!]

هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي

سرور من! به فضل و کرم خویش مرا ببخش!

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

و با عفو تو بر من تصدق نما و منت گذار!

وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ

و با پرده عفو [عیب‌های] مرا بپوشان!

وَأَعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

و به روی با کرامت و سیمای با جلال و جمالت، از توبیخ من درگذر!

سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ

سرورم! من آن کوچکی هستم که پرورش دادی

وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ

و من آن نادانی هستم که تو علمش آموختی

وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ

و من آن گمراهی هستم که هدایتش نمودی

وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ

و من آن پستی هستم که تو او را رفعت بخشیدی

وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ

و من آن ترسانی هستم که او را امنیت و آرامش بخشیدی

وَالْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ

و آن گرسنه‌ای هستم که تو سیرش نمودی

وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ

و آن تشنه‌ای هستم که تو سیرایش نمودی

وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ

و آن برهنه‌ای هستم که تو بر او لباس پوشانیدی

وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ

و آن فقیری هستم که تو بی‌نیازش نمودی

وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ

و آن ناتوانی هستم که تو او را نیرو بخشیدی

وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ

و آن خوار و ذلیلی هستم که تو عزت‌ش دادی

وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ

و آن بیماری هستم که تو شفایش بخشیدی

وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ

و آن گدایی هستم که تو عطایش بخشیدی

وَالْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ

و آن گناهکاری هستم که تو بر او پرده‌پوشی نمودی

وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلْتَهُ

و آن خطاکاری هستم که تو از او درگذشتی

وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ

و آن کمی هستم که تو زیادش نمودی

وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ

و آن مستضعف و مغلوبی هستم که تو نصرت بخشیدی و یاری نمودی

وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي أَوَيْتَهُ

و آن رانده‌شده و آواره‌ای هستم که تو پناهِش دادی

أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ

پروردگارا، من آن کسی هستم که در خلوت و تنهایی از تو شرم نکردم

وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ

و در آشکارا و منظر دیگران تو را ملاحظه نمودم و حقت را رعایت نکردم

أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى

منم صاحب مصیبت‌های بزرگ

أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى

منم آن کسی که بر آقای خود جرئت و جسارت نموده است

أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ

منم آن که پادشاه آسمان را نافرمانی کردم

أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرِّشَا

منم آن که برای نافرمانی خدای جلیل، رشوه‌ها دادم

أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى

منم آن که چون مرا به معصیتی مژده دادند، بی‌درنگ به‌سویش شتافتم

أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْ عَوَيْتُ

منم آن کسی که مهلتم دادی ولی از کردارم دست نکشیدم

وَسَتَّرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ

و بر گناهم پرده پوشاندی ولی شرم نکردم

وَعَمَلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ

و مرتکب گناه شدم و از حد گذراندم

وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ

و [به‌واسطه این گناهان] مرا از چشمت انداختی با این حال باکی نداشتم

فَجِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي

ولی تو با بردباری‌ات مهلتم دادی

وَبِسِتْرِكَ سَتَّرْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي

و با ستاریت خود پوشاندی، تا آنجا که گویی از من غافل شده‌ای!

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي

و مرا از کیفر گناهان معاف‌داشتی تا آنجا که گویی تو از من حیا کرده‌ای!

إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاذِدٌ

الهی، آنگاه که معصیت کردم از روی انکار خداوندی‌ات نافرمانی‌ات نکردم

وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخْفٍ

و از روی استخفاف و سبک‌شمردن امرت نیز گناه نکردم

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ

و نیز نمی‌خواستم [با جرئت] در مقابل عقوبتت سینه‌سپر کنم

وَلَا لِوَعْدِكَ مُتَهَاوِنٌ

و نیز نمی‌خواستم وعده مجازاتت را کوچک بشمارم

لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ

ولیکن آنچه کردم خطایی بود که از من سرزد

وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي

و نفسم آن را برایم آراست

وَعَلَبَنِي هَوَايَ

و هوای نفسم بر من غلبه کرد

وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي

و شقاوت و بدبختی‌ام نیز بر آن گناهان یاری نمود

وَعَزَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخَى عَلَيَّ

و پرده‌پوشی همیشگی تو نیز مرا فریفت

فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجُهْدِي

هرآینه من با تمام توان نافرمانی و مخالفت تو کردم

فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي

پس با این حال چه کسی مرا از عذاب تو می‌رهاند؟!

وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ عَدَاً مِنْ يُخَلِّصُنِي

و فردا چه کسی مرا از دست ستیزه‌جویان و دشمنان خلاصی می‌دهد؟!

وَبِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَلَيَّ

و اگر تو ریسمان خویش را از من بُریدی، به ریسمان چه کسی چنگ بزنم؟

فَوَاسِقَاتِنَا عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي

پس چه رسوایی‌ای! از آنچه کتاب تو از اعمالم نوشته و برشمرده است

الذی لولا ما أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ

آن اعمالی که اگر امید به کرم و سعه رحمت تو نداشتم و مرا از ناامیدی نهی نکرده بودی،

لَقَنْطَطُ عِنْدَمَا أَتَذَكَّرُهَا

هرگاه یاد آن‌ها می‌افتادم ناامید می‌شدم

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

ای بهترین کسی که دعاکننده‌ای او را می‌خواند

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

و ای برترین کسی که امیدواری به او امید می‌بندد

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوْسَلُ إِلَيْكَ

خداوندا، به پناه اسلام به سوی تو متوسل می‌شوم

وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ

و به حرمت قرآن به سوی تو اعتماد می‌کنم

وَبِحَبِيْبِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْفَرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ

و به محبتم نسبت به پیامبر مکتب نرفته و درس نخوانده که از قریش و بنی هاشم و عرب است و از تهامه و مکه و مدینه است،

أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ

[به حق این چنین پیامبری] امید دارم که به تو نزدیک شوم

فَلَا تُوحِشِ اسْتِنْسَانَ إِيْمَانِي

پس [لطف نما و] انس مرا که به جهت ایمانم به توست، به وحشت مبدل مساز

وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ

ثواب و مزد مرا مانند مزد کسی که غیر تو را عبادت کرده است قرار مده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالْأَسْنَتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ فَأَذْرِكُوا مَا أَمَلُوا

چه اینکه گروهی به زبان ایمان آوردند تا جان خویش را حفظ نمایند، پس به آرزویشان رسیدند

وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِالْأَسْنَتِنَا وَقُلُوبِنَا لَتَعْفُو عَنَّا

ولی ما با زبان و قلب هایمان به تو ایمان آوردیم تا مورد عفو و بخشش تو قرار گیریم

فَأَذْرِكُنَا مَا أَمَلْنَا

پس ما را به آرزویمان برسان

وَتَبَّتْ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا

و امید به خودت را در سینه هایمان مستحکم و استوار فرما

وَلَا تَزِعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

و دل هایمان را پس از آنکه هدایتمان نمودی منحرف مساز

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

و از ناحیه خود رحمتی به ما عنایت فرما

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

که آن بخشایشگر بی حد همانا تو هستی

فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ

که قسم به عزتت اگر هم مرا از در لطف خویش برانی هرگز از درگاهت به جایی نمی روم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

و از لابه و التماس تو دست برنمی دارم

لِمَا أُلْهِمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ

چرا که معرفت به کرمیت و وسعت رحمتت بر قلبم الهام شده

إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ

[آری،] بنده جز به درگاه مولایش به کجا رود؟!]

وَإِلَىٰ مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَىٰ خَالِقِهِ

و مخلوق جز که به خالق خود به کجا پناه برد؟!

إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ

الهی، اگر مرا به بند کشی

وَمَنْعَتَنِي سَبِيكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ

و از میان حاضران [عرصه قیامت] عطای خویش را از من دریغ داری،

وَدَلَّلْتَ عَلَيَّ فُضَائِحِي عِيُونَ الْعِبَادِ

و رسوایی‌هایم را در برابر چشمان بندگان عیان سازی،

وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ

و فرمان دهی که مرا به آتش ببرند،

وَحُلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ

و میان من و نیکوان جدایی اندازی،

مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ

باز هم امیدم را از تو نخواهم بُرید

وَمَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ

و از امید عفو و بخشش منصرف نخواهم شد

وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي

و محبتت از دلم بیرون نخواهد شد

أَنَا لَا أَنْسَى أَيَادِيكَ عِنْدِي

[ای خدای من،] هرگز الطاف تو را فراموش نخواهم کرد

وَسَتَرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا

و پرده‌پوشی‌ات در دار دنیا نسبت به من را هرگز از یاد نخواهم بُرد.

سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي

ای آقای من، محبت دنیا را از دلم بیرون نما

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خُلُقِكَ

و میان من و مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که برگزیده آفریدگان تو،

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و خاتم پیامبران است و خاندان او جمع نما

وَأَنْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ

و مرا به درجه و مقام اهل توبه به درگاہت برسان

وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي

و مرا بر گریه کردن بر حال خود یاری فرما

فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمْرِي

زیرا من عمرم را با امروز و فردا کردن و با آرزوها [ی باطل] نابود ساختم

وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي

و اکنون به جایی رسیده‌ام که دیگر از خیر خودم ناامید شده‌ام

فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً مِنِّي

پس حال و روز چه کسی از من بدتر است،

إِنِّ أَنَا نَقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِ

اگر من با چنین حالی به قبرم وارد شوم!؟

لَمْ أَمْهَدُهُ لِرَفْدَتِي

[قبری که] آن را برای خواب [ابدی‌ام] مهیا ننموده‌ام!

وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي

و برای آرمیدنم فرشی از عمل صالح در آن نگسترده‌ام!

وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي

و چگونه گریه نکنم در حالی که نمی‌دانم عاقبتم چگونه است و به کجا می‌روم!؟

وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي

و در حالی که می‌بینم که نفسم هر دم برای فریب‌دادنم در تلاش است

وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي

و روزگار همواره در کمین نیرنگ من است

وَقَدْ حَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ

و مرگ [همچون کرکسی] برفراز سرم در پرواز است

فَمَالِي لَا أَبْكِي

پس چرا گریه سر ندهم!؟

أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي

گریه کنم برای بیرون رفتن جان از بدنم

أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي

گریه کنم بر تاریکی قبرم

أَبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي

گریه کنم برای تنگی ل‌حدم

أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ

گریه کنم برای سوآلی که مُنکر و ن‌کیر از من می‌کنند

أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي غُرْبَاناً ذَلِيلاً حَامِلاً ثَقَلَى عَلَى ظَهْرِي

گریه کنم بر اینکه برهنه و ذلیل از قبرم بیرون آمده‌ام و بار سنگین اعمالم را بر پشت دارم

أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي

گاهی به جانب راست خود می‌نگرم و گاهی به جانب چپم

إِذِ الْخَلَائِقِ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي

آن‌گاه که خلایق هرکسی به کار خویش مشغول است

﴿لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾

«هرکسی را در آن گرفتاری و کاری است که او را بس است»

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ﴾

«بعضی چهره‌ها [در آن روز] درخشان و نورانی است و خندان و خوشحال!»

﴿وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ﴾ **وَذَلَّةٌ**

«و چهره‌هایی نیز غبار [تیره‌بختی] بر آنها نشسته و آنها را سیاهی [و ذلت] در بر گرفته است!»

سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعُولِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي

ای آقای من، اعتماد و تکیه من و امید و توکلم بر توست

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

و دست‌آویز من رحمت توست

تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ

که تو هرکس را بخواهی مشمول رحمت خود می‌گردانی

وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ

و هرکه را دوست داری به کرامت و بزرگی خود هدایت می‌کنی

فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي

پس ستایش مخصوص توست که قلبم را از شرک پاک نمودی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي

و ستایش مخصوص توست بر گشودن زبانم

أَفْبِلْسَانِي هَذَا الْكَاِلِ أَشْكُرُكَ

پس آیا با این زبان الکنم شکر تو را به‌جای آورم؟!

أَمْ بَغَايَةَ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ

و یا با نهایت توانم در عمل، خشنودی تو را به‌دست آورم؟!

وَمَا قَدَّرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ

که زبانم در مقابل شکر تو چه ارزشی دارد؟! [که زبانم کمتر از آن است که شکر تو را به‌جا آورد]

وَمَا قَدَّرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ

و عملم در مقابل نعمت و احسان تو چه ارزشی دارد؟!

[که تلاش و عمل من کمتر از آن است که در مقابل نعمت و احسان تو به‌شمار آید]

إِلٰهِي إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي

الهی، جود و کرم تو [توقع و] امیدم را بالا برده

وَشُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي

و همانا قدرشناسی توست که عمل [ناچیز] مرا پذیرفته است

سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي

ای آقای من، میلم به سوی توست

و إِلَيْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي

و ترسم از توست و امیدم به تو

وَقَدْ سَأَفْتِي إِلَيْكَ أَمَلِي

و همانا امید مرا به درگاه تو کشانده

وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكْفْتُ هِمَّتِي

و همتم رَحَل اقامت مرا به آستان تو نشانده، ای یگانه [مقصود] من!

وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطْتُ رَغْبَتِي

و میلم به آنچه نزد توست فزونی یافت

وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي

و امید و ترس بدون شائبه‌ام همه برای توست

وَبِكَ أُنِسْتُ مَحَبَّتِي

و محبتم به تو انس گرفته

وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي

و به سوی تو دست [امید] خویش گشوده‌ام

وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي

و به سوی طاعتت [دست] هراس خویش درآویختم

يَا مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي

ای مولای من، تنها به ذکر تو قلبم زنده است

وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي

و با مناجات با تو درد ترس و هراس خود را تسکین داده‌ام

فِيَا مَوْلَايَ يَا مُؤَمَّلِي وَيَا مُنْتَهَى سَوْئِلِي

پس ای مولای من و ای آرزوی من و ای نهایت خواسته‌ام

فَرَّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ ذُنُوبِي

بین من و گناهم جدایی افکن

الْمَانِعِ لِي مِنْ نُزُومِ طَاعَتِكَ

گناهی که مرا از پایبندی طاعتت باز می‌دارد

فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ

که همانا درخواست من از تو تنها به خاطر امید دیرینه‌ام به توست

وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ

و طمع بزرگی است که از تو داشته‌ام

الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَي نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ

[طمع داشته‌ام] آن رحمت و رأفتی را که تو خودت بر خویشتن واجب نمودی

فَالأَمْرُ لَكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

پس امر و فرمان از آن توست، یگانه‌ای و شریکی نداری

وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ

و خلایق همه عیال و جیره‌خوار تو و در قبضه قدرت تو آند

وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ

و تمام موجودات در برابر تو خضوع و کرنش نموده‌اند

تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

بسیار بلندمرتبه و مبارکی ای پروردگار عالمیان

إِلَهِي اِرْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي

الهی، بر من رحم کن در آن زمانی که دیگر دلیل و عذری ندارم

وَكُلَّ عَن جَوَابِكَ لِسَانِي

و زبانم از پاسخت در مانده و ناتوان گردد

وَطَائِفٍ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّاي لُبِّي

و چون از من سؤال کنی، هوش از سرم برود

فِيَا عَظِيمِ رَجَائِي

پس ای امید بزرگ من

لَا تُحَيِّبْنِي إِذَا اسْتَدَّتْ فَاقَتِي

آنگاه که فقر و بیچارگی‌ام شدت گیرد، ناامیدم مکن

وَلَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي

و به خاطر جهالتم مرا از درگاهت مران

وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي

و به خاطر کم طاقتم [در تحمل مشکلات راحت] از ورود من [به آستانه لطف] جلوگیری نکن

أَعْطِنِي لِفَقْرِي

به خاطر تهی دستی‌ام به من عطا کن

وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي

و به لحاظ ناتوانی‌ام بر من ترحم کن

سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوْلِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي

ای آقای من، اعتماد و تکیه من و امید و توکلم فقط بر توست

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

و دست آویز من رحمت توست

وَبِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي

و بار خود را فقط به آستان تو فرود می آورم

وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتِي

و با تمسک به جود تو، به سوی مطلوب خود می روم

وَبِكْرَمِكَ أَي رَبِّ اسْتَفْتَحُ دُعَانِي

و ای پروردگار من، با تکیه بر کرم و بزرگی تو، دعا و درخواستم را شروع می کنم

وَأَدِيكَ أَرْجُو فَاقْتِي

و امید دارم تنگدستی ام را نزد تو برطرف سازم

وَبِعِغْنِكَ أَجْبِرُ عَيْلَتِي

و با توانگری و بی نیازی تو، نیازمندی ام را جبران می کنم

وَتَحْتِ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي

و در سایه عفو تو می ایستم

وَالِي جُودِكَ وَكْرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي

و به سوی جود و کرم تو چشم دارم

وَالِي مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي

و همواره به احسان تو می نگرم و چشم بر نمی دارم

فَلَا تُحْرِفْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي

پس مرا به آتش مسوزان که تو محل آرزوی منی

وَلَا تُسَكِّنِي الْهَآوِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي

و مرا در دوزخ جای نده که تو روشنی چشم منی

يَا سَيِّدِي لَا تُكَذِّبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ

ای آقای من، خوش گمانی مرا به احسان و نیکی ات از بین نبر و مرا ناامید مکن

فَإِنَّكَ ثِقْتِي

زیرا تو محل اعتماد منی

وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابِكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي

و مرا از ثواب خودت محروم مکن که تو، به نداری ام آگاهی

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي

الهی، اگر مرگم نزدیک شده ولی کردارم مرا به تو نزدیک نکرده،

فَقَدْ جَعَلْتُ الْأَعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي وَسَائِلَ عِلِّي

پس همانا اعتراف به گناهانم را وسیله و عذری برای خودم قرار داده‌ام

إِلَهِي إِنَّ عَفْوَتَ فَمَنْ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِالْعَفْوِ

الهی، اگر تو عفو کنی، چه کسی از تو به عفو و بخشش سزاوارتر است؟!

وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ

و اگر عذاب کنی، چه کسی در داوری از تو عادل‌تر است؟!

ارْحَمَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي

در این دنیا بر غربت و تنهایی‌ام رحم کن

وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي

و در هنگام مرگ بر گرفتاری‌ام ترحم نما

وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي

و در قبر بر تنهایی‌ام

وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي

و در لحد بر غربت و هراسم

وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذَلَّ مَوْفِي

و آن زمان که برای حساب در برابرت برانگیخته شدم

به آن جایگاه ذلیلانه و عاجزانه‌ای که دارم رحم کن

وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ مِنَ الْإِدْمِيَّةِ مِنْ عَمَلِي

و آنچه از کردارم بر انسان‌ها پوشیده مانده بیامرزد

وَأَدِّمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي

و آن پرده‌ای را که بر اعمال و گناهانم انداختی، ادامه بده

وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تَقَلُّبِي أُيْدِي أَحِبَّتِي

و بر من ترحم کن آنگاه که جسم بی‌جانم بر زمین افتاده و دستان عزیزان، مرا این‌طرف و آن‌طرف

[جابه‌جا] می‌کند

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبُنِي صَالِحُ جِيرَتِي

و بر من تفضل کن در آن زمان که جسمم در غسل‌خانه دراز است و همسایگان صالح مرا زیر و رو

می‌کنند

وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي

و بر من مهر و عطوفت نما آن‌گاه که نزدیکانم اطراف جنازه‌ام را گرفته و بر دوش می‌کشند

وَجُدْ عَلَيَّ مَنقُولاً قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي

و بر من کرم نما آن زمان که مرا می‌برند و یگانه و تنها در حفره‌قبرم نزد تو می‌آیم

وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي

و در این خانه جدیدم بر غربتم رحم کن

حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ

تا آنکه به غیر تو انس نگیرم

يَا سَيِّدِي إِنَّ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ

ای آقای من، اگر مرا به خودم واگذاری هلاک می شوم

سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّني عَثْرَتِي

آقای من، اگر تو از لغزشم نگذری، به چه کسی استغاثه کنم و از که کمک بگیرم؟!

فَالِي مَنْ أَفْرَعُ إِنْ فَفَدْتُ عَيْنَيْكَ فِي ضَجْعَتِي

و اگر در آرامگاهم از عنایت تو محروم باشم، به سوی که بگریزم؟!

وَالِي مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنْقِسْ كُرْبَتِي

و اگر تو مرا از غم و اندوهم رهایی ندهی، به چه کسی پناه برم؟!

سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي

ای آقای من، اگر تو به من رحم نکنی، من که را دارم و چه کسی بر من رحم خواهد کرد؟!

وَفَضْلَ مَنْ أُوْمِلُ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي

و اگر در روز تنگدستی ام از فضل و احسان تو محروم باشم، دیگر به فضل چه کسی امید ببندم؟!

وَالِي مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي

و اگر مهلتم سر رسیده و اجلم فرا برسد، پس از گناهانم به سوی که بگریزم؟!

سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ

آقای من، در حالی که من فقط به تو امید دارم، مرا عذاب نکن!

إِلَهِي حَقِّقْ رَجَائِي وَأَمِنْ خَوْفِي

الهی، امیدم را محقق کن و ترسم را ایمنی ده

فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ

که گناهانم بسیار است و امیدی جز عفو و بخشش تو ندارم

سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ

آقای من، از تو چیزی را درخواست می کنم که شایستگی اش را ندارم

وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

و تو اهلِ تقوی و اهل غفران و بخششی

فَاعْفُرْ لِي وَالْبِسْنِي مِنْ نَظَرِكَ ثُوبًا يُعْطِي عَلَيَّ التَّيْبَاتِ

پس مرا بیامرزد و از نظر رحمت بر من لباسی بپوشان که گناهان و عواقبش را بپوشاند

وَتَعْفُرْهَا لِي وَلَا أَطَالِبُ بِهَا

که آنها را بیامرزی و من نسبت به آنها بازخواست نشوم

إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَتَجَاوَزٍ كَرِيمٍ

که منت و لطف تو دیرینه است، و چشم پوشی ات عظیم و گذشت تو کریمانه

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّبَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ

خدایا، تو همان کسی هستی که فیض و عطای خود را حتی بر آن کسی که از تو درخواست نمی کند

فرو می باری

وَعَلَى الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

و حتی آن کسی را که مُنکر ربوبیت و خدایی توست [مورد لطف خود قرار می دهی]

فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ

پس ای آقای من، چگونه باشد حال آن کسی که از تو درخواست کرده،

وَأَيُّقِنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ

و یقین دارد که خلق به دست تو و امر همگان به سوی توست؟!

تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

بس مبارک و بلندمرتبه ای ای پروردگار عالمیان

سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ

ای آقای من، بنده ات به درگاهت ایستاده

أَقَامَتُهُ الْخِصَاصَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ

[بنده ای که] فقر و تنگدستی او را به درگاه تو آورده

يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ

با دعایش بر در احسان تو می کوبد

فَلَا تُعْرِضْ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمَ عَنِّي

پس تو هم روی کریمت را از من برنگردان

وَأَقْبِلْ مِنِّي مَا أَقُولُ

و آنچه می گویم [و از تو می خواهم] قبول کن

فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ

زیرا من در حالی آمدم و دعا می کنم که امید دارم

وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تَرُدَّنِي

امید دارم که مرا برنگردانی

مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

زیرا رأفت تو را می شناسم و به رحمتت معرفت دارم

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُحْفِيكَ سَائِلٌ

الهی، تو آن خدایی هستی که هیچ درخواست کننده ای [و هیچ خواهشی] تو را درمانده نمی سازد

وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ

و هیچ عطاگیرنده ای از تو نمی کاهد

أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ

تو چنانی که خود می‌گویی و بالاتر از آنی که ما می‌گوییم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا

بارالها! من از تو صبری جمیل و نیکو می‌خواهم

وَفَرَجًا قَرِيبًا

و گشایشی نزدیک [می‌خواهم]

وَقَوْلًا صَادِقًا

و گفتاری صادق [می‌خواهم]

وَأَجْرًا عَظِيمًا

و جزایی عظیم [می‌خواهم]

أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ

پروردگارا، تمام خیر و خوبی‌ها را از تو درخواست می‌کنم

مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ

چه آن خیر را بشناسم یا نشناسم

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

بارالها! از تو درخواست می‌کنم بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته‌ات از تو خواسته‌اند

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ

ای بهترین کسی که از او درخواست می‌شود

أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي

خواسته‌ام را در حق خودم و خانواده‌ام به من عطا کن

وَوَالِدِيَّ وَوَلَدِي وَأَهْلِي حَزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ

و نیز در حق پدر و مادر و فرزندانم و خاصان و برادران دینی‌ام به من عطا فرما

وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهَرْ مُرُوتِي

و زندگی‌ام را گوارا کن و جوانمردی‌ام را آشکار ساز

وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي

و همهٔ احوالم را اصلاح فرما

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ

و مرا از جمله آنان قرار بده که عمرشان را طولانی کردی

وَحَسَنْتَ عَمَلَهُ

و عملشان را نیکو گردانیدی

وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ

و نعمتت را بر آنان تمام نمودی

وَرَضِيَتْ عَنْهُ

و از ایشان راضی و خشنود گشتی

وَأَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً

و آنان را با زندگانی طیب و پاک زنده گردانیدی

فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ

زندگی ای در بادوام‌ترین خوشی‌ها

وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ

و با فراوان‌ترین کرامت و تفضل‌ها

وَأَتَمَّ الْعَيْشَ

و با کامل‌ترین زندگی‌ها و خوشی‌ها

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ

که تو هر چه بخواهی انجام می‌دهی

وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ

و غیر تو هر کاری بخواهد نمی‌تواند انجام دهد

اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ

بارالها! مرا از زمرة خاصان برای ذکر و یادت قرار بده

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ

و هیچ کاری را که در اوقات شب و روز برای تقرب به تو انجام می‌دهم،

رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرَأً وَلَا بَطْراً

برای ریا و شهرت و تفریح و تفرُّج قرار نده

وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ

و مرا از خاکساران درگاهت بگردان

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ

بارالها! گشایش در روزی و امنیت در وطن را به من عطا فرما

وَفُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ

و اهل و مال و فرزند را مایهٔ روشنی چشمم قرار بده

وَالْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي

و نعمت‌هایی که بر من ارزانی داشتی پایدار گردان

وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ

و تندرستی جسم و توانمندی در بدن و سلامت در دین را به من ارزانی فرما

وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَداً مَا اسْتَعْمَرْتَنِي

و مرا همواره و تا زمانی که مرا عمر بخشیدی به طاعت خویش و طاعت رسالت محمد

صَلَّى اللّٰهَ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَامِلِ گِردان

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيْبًا

و مرا از پُربهره‌ترین بندگان نزد خودت قرار بده

فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

پُربهره‌تر در هر خیری که در ماه رمضان در شب قدر نازل کرده و می‌کنی

وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ

و هر خیری که در هر سال نازل خواهی کرد

مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا

پُربهره از رحمتی که می‌گسترانی

وَ عَافِيَةٍ تُلْبَسُهَا

و لباس عافیتی که [بر بندگان] می‌پوشانی

وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا

و بلاهایی که برطرف می‌سازی

وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا

و کارهای خوبی که [از بندگان] قبول می‌کنی

وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا

و کارهای زشتی که از آنها درمی‌گذری

وَأَرْزُقُنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

و حجّ خانه مقدس خود را روزی من قرار بده

فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ

در این سال و در هر سال

وَأَرْزُقُنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ

و از فضل بی‌حدّ خود روزی فراخ به من ارزانی ده

وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ

و بدی‌ها را — ای آقای من — از من برگردان

وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلَمَاتِ

و بدهی مرا بپرداز و جبران ستم‌هایی را که بر عهده من است، بنما

حَتَّى لَا أَتَأَذَى بِشَيْءٍ مِنْهُ

تا از ناحیه هیچ‌یک از آنها اذیت نشوم و صدمه نبینم

وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَأَبْصَارِ أَعْدَائِي وَحُسَادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ

و چشم و گوش دشمنان و حسودان و ظالمان مرا را از سمت من برگردان

وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ

و مرا در برابر ایشان یاری فرما

وَأَقِرَّ عَيْنِي

و چشمم را روشن کن

وَفَرِّحْ قَلْبِي

و دلم را شادی بخش

وَأَجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرْجاً وَمَخْرَجاً

و از غم و اندوه و گرفتاری‌ها، گشایش و راه خلاصی برای من قرار بده

وَأَجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي

و آن کسی که قصد بدی نسبت به من داشته باشد زیر پایم قرار بده

وَأَكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي

و مرا از شرّ شیطان و شرّ سلطان و شرّ اعمال بدم محفوظ بدار

وَطَهِّرْني مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا

و از همه گناهان مرا پاک گردان

وَأَجِرْني مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ

و به عفو خویش از آتش دوزخ امانم بده

وَأَدْخِلْني الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

و به رحمت خویش مرا به بهشت وارد کن

وَرَوْجِي مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ بِفَضْلِكَ

و مرا به فضل خویش از حورالعین تزویج بفرما

وَأَلْحِقْني بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و مرا به اولیای شایسته‌ات، محمد و آل او ملحق گردان

الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ

آنان که پاکیزه و طاهر و برگزیده‌اند

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ

صلوات و درود تو بر ایشان و بر بدن‌ها و ارواح آنان باد

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و رحمت و برکات خداوندی نیز بر ایشان باد

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ

ای معبود و ای آقای من، به عزت و جلال و عظمت قسم،

لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطْلُبَنَّكَ بِعَفْوِكَ

که اگر مرا به گناهانم بازخواست نمایی هرآینه از تو عفو و بخشش را مطالبه می‌کنم

وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطْلُبَنَّكَ بِكَرَمِكَ

و اگر از من به فرومایگی ام مؤاخذه نمایی، هرآینه از تو کرم و بزرگی ات را مطالبه می‌نمایم

وَلَنْ أَدْخُلْتِي النَّارَ لِأَخِيرِنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحَبِي لَكَ

و اگر مرا به دوزخ اندازی هرآینه به اهل دوزخ خواهم گفت که تو را دوست دارم

إِلَهِي وَسَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَانِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ

ای معبود و ای آقای من، اگر تو جز اولیاء و دوستان و اهل طاعتت را نمی‌بخشی،

فَالِي مَنْ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ

پس گناهکاران به چه کسی پناه برند؟

وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ

و اگر تو فقط اهل وفا را گرامی می‌داری،

فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ

پس بدکاران از چه کسی یاری طلبند؟

إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتِي النَّارَ فَبِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدُوِّكَ

الهی، اگر مرا در دوزخ اندازی، دشمن تو شاد می‌شود

وَإِنْ أَدْخَلْتِي الْجَنَّةَ فَبِي ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيِّكَ

و اگر مرا به بهشت ببری، پیامبر تو خرسند می‌گردد

وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ

و قسم به خدا می‌دانم که خرسندی پیامبرت از دلشادی دشمنت نزد تو محبوب‌تر است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ

بارالها! از تو می‌خواهم که قلبم را از محبت آکنده سازی

وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ

و از ترس و خشیت از تو و باور به کتابت لبریز گردانی

وَإِيمَانًا بِكَ وَفِرْقًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ

و از ایمان به تو و هراس از تو و اشتیاق به تو پُر کنی

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای صاحب جلال و لطف و عنایت

حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ وَأَحْبِبْ لِقَائِي

عشق دیدارت را در قلب من قرار بده و تو نیز دوستدار دیدار من باش

وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ

و برای من در لقای خویش، راحتی و گشایش و کرامت قرار بده

اللَّهُمَّ أَحَقَّنِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى

بارالها! مرا به بندگان صالح در گذشته ملحق گردان

وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ

و از زمرهٔ بندگان صالح بازمانده قرار بده

وَخُذْ بِي سَبِيلِ الصَّالِحِينَ

و مرا در راه بندگان صالحت پایدار گردان

وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ

و همان‌گونه که بندگان صالح را در برابر نفس امّاره یاری می‌کنی، مرا نیز در برابر نفسم یاری فرما

وَأَخْنِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ

و کردارم را به بهترین وجه به سرانجام رسان

وَأَجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

و به حق رحمتت، پاداش مرا از کردارم بهشت قرار بده

وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ مَا أُعْطَيْتَنِي

و یاری‌ام کن تا نعمت‌هایت را که بر من ارزانی داشتی، شایسته به کار بندم

وَتُبَيِّنْ لِي يَا رَبِّ

بار پروردگارا، و مرا [در مسیرت] ثابت‌قدم و استوار گردان

وَلَا تَزِدْنِي فِي سُوءِ اسْتِنْفَذْتَنِي مِنْهُ

و مرا به مهلکه‌ای که از آن نجات دادی باز مگردان

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای پروردگار عالمیان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ

بارالها! همانا از تو ایمانی مسئلت دارم که آن را سرانجام و پایانی جز لقای تو نباشد

أَحْيِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ

مرا تا زمانی زنده بدار که حیات من بر ایمان باشد

وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ

و جان مرا بستان، اگر جانم را بر همان ایمان می‌ستانی

وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ

و در قیامت از قبر محشور گردان، اگر بر ایمان محشور می‌گردانی

وَأَبْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ

و قلبم را از ریا و شک و شهرت‌طلبی در دینت پاک گردان

حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ

تا تمام عملم بی‌هیچ شائبه‌ای خالص برای تو باشد

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ

بارالها! بصیرت و بینشی عمیق در دینت به من عطا فرما

وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ

و ادراکی را در احکام و دستورات

وَفَقَهَا فِي عِلْمِكَ

و فهمی را در علمت

وَكَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ

و بهره‌ای دوچندان از رحمتت

وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ

و تقوایی که مرا از معصیت‌ها و گناهان بازدارد

وَبَيْضٍ وَجْهِي بِنُورِكَ

و رخسارم را به نور خودت سفید گردان

وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ

و میل و رغبت مرا در آن چیزی که نزد توست قرار بده

وَتَوْفَّقِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و مرا در راه خودت و بر آیین پیامبرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بمیران

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ

بارالها! به تو پناه می‌برم از تنبلی و از ضعف و سستی

وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ

و از همّ و غم و از ترسان بودن و بخیل بودن

وَالْعَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ

و از غفلت و قساوت قلب

وَالْمَسْكِنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةَ

و از بینوایی و فقر و فلاکت

وَكَوَلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ

و از هر بلایی و از هر کار زشت آشکار و پنهانی

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَفْعُ

و به تو پناه می‌برم از نفسی که قانع نمی‌شود

وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ

و شکمی که سیر نمی‌گردد

وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

و قلبی که خاشع و فروتن نمی‌شود

وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ

و دعایی که شنیده و مستجاب نمی‌شود

وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ

و عملی که سودی نمی دهد

وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي

پروردگارا، و برای حفظ جان و دین و مالم

وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي

و هر آنچه روزی من فرمودی

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

از شرّ شیطان رجیم به تو پناه می برم

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

که همانا تو شنوا و دانایی

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ

خداونداندا، به درستی که احدی مرا از [قهر] تو پناه نمی دهد

وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً

و جز تو پناهگاهی نمی یابم

فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ

پس نفسم را در هیچ موقعی از عذابت قرار نده

وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

و در هیچ مهلکه و عذاب دردناکی مینفکن

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

بارالها! عملم را بپذیر

وَأَعْلِ ذِكْرِي

و نام و یادم را بلند گردان

وَارْفَعْ دَرَجَتِي

و مرتبه ام را رفیع ساز

وَحُطِّ وِزْرِي

و وزر و سنگینی [گناهان و تعلقات] مرا بریز

وَلَا تَذُكِّرْنِي بِخَطِيئَتِي

و مرا با خطا و اشتباهاتم به یاد نیاور

وَأَجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ

و پاداش [به دعا] نشستتم و گفتار و دعای مرا خوشنودیات و بهشت قرار بده

وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ

پروردگارا، تمامی آنچه را از تو خواستم، به من عطا فرما

وَرِزْنِي مِنْ فَضْلِكَ

و از فضل و کرمت نیز بر آن بیفزا

إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

که من به سوی تو راغب و مشتاقم، ای پروردگار عالمیان

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا

بارالها! همانا تو در کتابت بر ما امر خویش را نازل نمودی که از کسانی که بر ما ستم نموده‌اند درگذریم

وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَعْفُ عَنَّا

و [اینک این ما هستیم که] بر خود ستم نموده‌ایم پس [تو نیز] از ما درگذر

فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا

که تو از ما، بدان سزاوارتری که چنین کنی

وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نُرَدَّ سَائِلًا عَنْ أَبْوَابِنَا

و فرمانمان دادی که سائلی را [دست‌خالی] از در خانه خود نرانیم

وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا

و من اینک سائل، به در خانه تو آمده‌ام

فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي

پس مرا حاجت‌ناروا از درت برنگردان

وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا

و ما را فرمان دادی که در حق بردگانمان نیکی نماییم

وَنَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعْتَقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ

و [اینک] ما بندگان و بردگان تو هستیم، پس ما را از دوزخ برهان

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي

ای پناه من به وقت گرفتاری‌ام

وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي

ای فریادرسم به وقت دشواری‌ها و سختی‌ام

إِلَيْكَ فَرَعْتُ

ترسان به سوی تو آمدم

وَبِكَ اسْتَعْتَشْتُ وَلُدْتُ

و از تو فریادرسی خواستم و به تو پناه آوردم

لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ

و به غیر تو پناه نمی‌برم

وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ

و گشایش را از غیر تو درخواست نمی‌کنم

فَأَعِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي

پس به فریادم برس و در کارم گشایش قرار بده

يَا مَنْ يُفَكُّ الْأَسِيرَ

ای خدایی که اسیر را آزاد می کند

وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ

و از [گناه] بسیار درمی گذرد

إِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ

از من [هم] عمل اندکم را بپذیر

وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ

و از گناه بسیارم درگذر

إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

که تو بسیار مهربان و آمرزنده ای

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

بارالها! از تو ایمانی می خواهم که به وسیله آن قلبم را لمس نمایی

و یقیناً حتی اعلم آنه لن یصیبینی إلا ما کتبت لی

و از تو یقینی راستین می خواهم تا بدانم که به من نمی رسد، جز آنچه تو برایم مقدر نموده ای

وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي

و مرا در زندگانی به آنچه قسمتم نمودی راضی گردان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربان ترین مهربانان.